

## تحلیل مهدویت (ظهور، بداء، حکومت مهدوی) در احادیث امام جواد علیه السلام

خالد حسین\*

### چکیده

یکی از علت‌های ضروری بودن طرح مباحث مهدویت، سخنان و سفارش‌های معصومان در این باره است، آنها همگی به دولت امام مهدی (عج) چشم دوخته بودند و در زمان زندگی‌شان، یاد و نام او بر لبانشان نقش بسته بود. با توجه به نزدیک بودن ولادت، امامت و غیبت امام مهدی (عج) به عصر امامت امام جواد (ع)، ایشان سخنان و احادیث مهم و کاربردی در این زمینه داشته‌اند، به همین جهت تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب به تحلیل مهدویت (ظهور، بداء، حکومت مهدوی) در احادیث امام جواد علیه السلام پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در احادیث امام جواد (ع)، قیام حضرت مهدی (ع) یکی از وعده‌هایی است که خداوند به تمام بشریت داده و لذا تخلف در آن محال است و اینکه احادیث امام جواد (ع) به تبیین چگونگی دوران غیبت، بداء در امر ظهور و دستاوردهای عصر ظهور همچون گسترش عدالت، نابودی مستکبران و کافران، از بین رفتن سختی‌ها، تشکیل لشکری قدرتمند، نابودی بت‌ها و بتکده‌ها و ... پرداخته است و محتوای این روایات به گونه‌ای است که یک دوره معرفت‌شناسی را نسبت به امام عصر (عج) برای جوامع شیعی به یادگار گذاشته است.

واژگان کلیدی: مهدویت، ظهور، بداء، حکومت مهدوی، امام جواد (ع)



## مقدمه

احادیث امام جواد (ع) به بیان معارفی پرداخت که افکار جامعه شیعی را برای عصر غیبت پرورش و رشد دهد و در این راستا ایشان به بیان مباحث ضروری مهدویت پرداختند بیان مواردی همچون مسئله غیبت، ظهور، علائم ظهور، حکومت مهدوی از جمله مباحثی بوده است که امام جواد (ع) برای بالا بردن سطح اندیشه مهدویت در بین مردم بیان داشته‌اند. به همین جهت در این تحقیق به تحلیل مهدویت (ظهور، بداء، حکومت مهدوی) در احادیث امام جواد علیه‌السلام می‌پردازیم.

### ۱. ادبیات نظری تحقیق

#### ۱-۱. مهدویت

این کلمه به لحاظ لغت، از ریشه «هَدَى» گرفته شده و مصدر جعلی مهدی (اسم مفعول) به معنای «هدایت شده» است. (حسینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۷۱۱) «مَهْدَوِیت» از اضافه شدن «ت» به «مَهْدَوِی» ساخته شده. مهدوی به معنای مربوط بودن به مهدی است، مانند واژه عَلَوِی و حَسَنِی. «ت» در واژه «مهدویت»، تائید است و به واسطه حذف شدنِ موصوف آمده است؛ یعنی در اصل «طریقه مهدویه» یا مانند آن بوده است. (الویری، ۱۳۹۴، ص ۶۱)

در صدر اسلام واژه «مهدی» هم برای شخص هدایت شده و هم برای تجلیل از برخی افراد به کار می‌رفت؛ برای نمونه این عبارت در مورد پیامبر (ص)، خلفای راشدین و امام حسین (ع) به کار رفته است. (حسین، ۱۳۸۵، ص ۳۴) بنا بر گفته راجکوسکی، اولین کسی که مهدی را به معنای منجی به کاربرد ابو اسحاق کعب بن ماته بن حیسوء حمیری (متوفی ۳۴ ق) بود. (همان)

مختار ثقفی با اعتقاد به اینکه محمد بن حنفیه نجات بخش است، او را مهدی نامید. همچنین زیدیه واژه مهدی را در همین مفهوم برای رهبران خود به کار می‌بردند. گروهی از شیعه نیز عنوان مهدی را، پس از رحلت برخی امامان، برای آنان به کار برده‌اند؛ مانند ناووسیه برای امام صادق (ع)، واقفه برای امام کاظم (ع) و برخی برای امام حسن عسکری (ع). (حسین، ۱۳۸۵، ص ۳۴-۳۶) این واژه در بین شیعیان دوازده امامی به حجت بن الحسن، فرزند امام حسن عسکری (ع)، اختصاص دارد. به اعتقاد آنان حجت بن الحسن شخصی است که پیامبر (ص) وعده آمدنش را داده و در پایان تاریخ نجات بخش بشریت خواهد بود.

استفاده از واژه مهدی به معنای منجی و نجات بخش عمدتاً بر اساس احادیث نبوی است.

«الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّي، وَاللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِي، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛ مَهْدِي مَرْدِي از اولاد من است رنگ بدن او رنگ نژاد عرب و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است، در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده باشد، ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت وی خشنود خواهند بود». (طبری، ۱۴۱۳، ص ۴۴۱)

اصطلاح «مهدویت» به مکتب‌هایی اطلاق می‌شود که شاخصه اصلی آن، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و نجات‌دهنده خاصی به نام امام مهدی علیه‌السلام است. (ابراهیم، ۱۳۸۱، ص ۹) تفکر مهدویت در فرهنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه از امتیازات برجسته مذهب شیعه باور به ظهور دوازدهمین امام معصوم از تبار علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهماالسلام می‌باشد. این اندیشه به قدری عمیق و گسترده است که از صدر اسلام تاکنون وجود داشته و هر روز بر تجلی آن افزوده شده و حتی پیروان دیگر ادیان نیز با گرایش به آن، به آمدن منجی جهانی دل بسته‌اند. منظور از مهدویت در این نوشتار، باور به ظهور و قیام امام مهدی موعود علیه‌السلام است که مصداقی معین دارد و یقیناً روزی خواهد آمد و این جهان ظلمانی را با نور جمالش منور خواهد ساخت.

## ۱-۲. ماهیت غیبت

در چگونگی غیبت برداشت‌های مختلفی از روایات به دست آمده است؛

### ۱-۲-۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی)

در این نظریه، جسم حضرت مهدی (عج) از دید ظاهری مردم پنهان است و این پنهانی از طریق اعجاز صورت می‌گیرد؛ زیرا بر اساس این دیدگاه حضرت مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند. به گفته سید محمد صدر این نظریه ساده‌ترین نظریه علمی قابل قبول درباره پنهان شدن و رهایی ایشان از ظالمان است. (صدر، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲-۳۱) این برداشت با معنای لغوی غیبت و روایاتی که آن حضرت را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده است، همخوانی بیشتری دارد. (صدر، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲-۳۱)



### ۱-۲-۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی)

مراد از غیبت در این فرض این نیست که حضرت در کوه، غار یا جای دیگری پنهان است، بلکه مقصود از غیبت ناشناخته بودن آن حضرت است (همان، ص ۷۸) نه پنهان بودن. (همان، ص ۳۳-۳۴) بر اساس این نظریه حضرت مهدی (عج) از دید ظاهری مردم پنهان نیست، بلکه در میان مردم زندگی می‌کند، مردم او را می‌بینند اما نمی‌شناسند. این پنهانی به طور عادی نیز واقع می‌شود. سید محمد صدر این دیدگاه را پذیرفته است؛ و برای اثبات آن به دلالتی استناد می‌کند، از جمله: روایاتی که می‌گویند حضور او در مراسم حج به گونه‌ای است که مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۲ ج ۲، ص ۴۴۰)

روایاتی که اطلاع از مکان آن حضرت را خطر دانسته‌اند؛ مانند توقیعی که از سوی حضرت به محمد بن عثمان صادر شد و در آن فرمود: «ان وقفوا علی المکان دلّوا علیه» یا گفته ابوسهل نوبختی اگر من مانند حسین بن روح نوبختی بر مکانش آگاه بودم شاید در مناظرات آن را افشا می‌کردم. با این استدلال که خطر و احتیاط، در فرض شناختن آن حضرت درست است و در صورت غیبت جسم و شخص، خطری متوجه ایشان نیست. (صدر، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۶-۳۵) آوردن معجزه زمانی است که اقامه حق منحصر در آن باشد؛ بنابراین اگر حفظ امام زمان با پنهان شدن جسم آن حضرت باشد، می‌بایست از طریق اعجاز صورت گیرد در حالی که وقتی حفظ آن از طریق عادی مانند پنهان بودن عنوان امکان دارد، وقوع معجزه بی‌معنا است. (همان)

### ۱-۲-۳. پنهان بودن جسم و عنوان

در مواردی جسم حضرت مهدی (عج) از دید مردم پنهان است و در مواردی در توسط مردم دیده می‌شود اما شناخته نیست.

آیت الله صافی گلپایگانی (مدظله العالی) معتقد است که بر اساس احادیث و نیز حکایات ملاقات افراد با امام مهدی (ع) می‌توان نتیجه گرفت که غیبت به هر دو شکل (ناپدید شدن و ناشناس بودن) وقوع دارد، بلکه گاهی در زمان واحد هر دو شکل واقع شده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۷۰)

## ۲. ظهور امام مهدی علیه السلام

### ۱-۲. قطعی بودن ظهور

از مسائل قطعی نزد امامیه مسئله ظهور می باشد. حضرت جواد (علیه السلام) در این ارتباط چنین می فرماید:

«... لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی ینخرج فیه، فی مالاها الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً؛ اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می نماید تا این که امام مهدی (عج) در آن روز ظهور نماید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۰)

مثل این مبحث در احادیث دیگر نیز تکرار شده (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱) که بیانگر این امر است که ظهور حتمی، قطعی و انکارناپذیر می باشد؛ و بصورت قطعی روزی پرده غیبت به کنار خواهد رفت و همه مشاهده گر ظهور حضرتش و ایجاد حکومت عدل مهدوی خواهند بود.

### ۲-۲. تغییر و بداء در نشانه‌های حتمی ظهور

تنها اشکال به نظریه حتمی بودن و تحقق بداء در نشانه‌های حتمی ظهور مستند به روایتی از امام جواد علیه السلام در کتاب الغیبه نعمانی می باشد که متن روایت چنین است:

«كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَرَى ذِكْرَ السُّفْيَانِيِّ وَ مَا جَاءَ فِي الرَّوَايَةِ مِنْ أَنَّ أُمَّرَةً مِنَ الْمُحْتَمُونَ قَالَتْ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْمُحْتَمُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْنَا لَهُ فَتَخَافُ أَنْ يَبْدُوَ لِلَّهِ فِي الْقَائِمِ فَقَالَ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَ الْمِيعَادِ وَاللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ نزد امام جواد علیه السلام بودیم. از سفیانی و روایاتی که بر آن اساس قیام او حتمی خواهد بود، سخن به میان آمد. به حضرت عرض کردم: آیا خداوند در حتمی ها هم بداء روا می دارد؟ فرمود: آری. عرض کردیم: می ترسیم در ظهور قائم نیز بداء روا دارد! فرمود: قیام قائم علیه السلام از میعاد و وعده های الهی است و خداوند خلف وعده نمی کند. (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۳)

لازم به ذکر است، منظور از «میعاد» که نسبت به آن خداوند، وعده حتمی داده و خلف ناپذیر می باشد «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ؛ این وعده الهی است و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند» (زمر/۲۰)، در قرآن، این چنین آمده: و «الميعاد»، هو قوله تعالى: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا



مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خداوند به مؤمنین و صالحان، وعده خلیفه الهی و جانشینی خود در زمین را وعده داده است» (نور/ ۵۵)

## ۲-۳. بداء در ظهور

از اعتقادات امامیه، بداء می باشد و مفهوم آن به این معنا است که به امر خدای سبحان در برخی امور تغییراتی روی می دهد در حالی که تصور ما بر قطعی بودن آن امور است، در حقیقت در علم الهی تغییری صورت نمی پذیرد بلکه در آگاهی و اطلاع ما تغییر روی می دهد. (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵)

## ۲-۴. اقوال مختلف درباره امکان بداء و عدم تحقق نشانه های حتمی ظهور

با توجه به تعریفی که برای مفهوم بداء نقل نمودیم در کنکاش پیرامون حدیثی که از حضرت جواد (ع) در کتاب الغیبه نعمانی وارد شده و در آن حدیث بداء را در نشانه های حتمی ظهور ممکن دانسته می توان سه نظریه و دیدگاه عنوان کرد:

### ۲-۴-۱. دیدگاه اول: عدم پذیرش امکان بداء در نشانه های حتمی ظهور

قائلین به این دیدگاه بر آن هستند که این روایت به برخی علل قابل استناد نیست، زیرا که اولاً سند این حدیث ضعیف می باشد. (شاهرودی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۴۲۲) و حتی در صورتی که حدیث از نظر سندی صحیح هم باشد، با احادیث متعدد و معتبری که بر تغییرناپذیری و حتمی بودن خروج سفیانی از منطقه شام دلالت دارند، قدرت تعارض ندارد. با توجه به این امور، این حدیث منقول از امام جواد (ع) در کتاب الغیبه نعمانی، قدرت تعارض با احادیث فراوان که دلالت بر وقوع قطعی نشانه های حتمی را دارند، نخواهد داشت.

از سوی دیگر این حدیث «خبر واحد» می باشد و در مقابل روایاتی که قیام سفیانی را از علائم حتمی می دانند، «مستفیض» و بلکه نزدیک به تواتر می باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۸۸)، نمی تواند معارضه نماید؛ و در صورتی که حتی اگر از ضعف سندی این حدیث چشم پوشیم و قبول نماییم که حدیث فوق از قوت سندی برخوردار است، باز امکان دارد این حدیث در شرایط خاصی مثل تقیه صادر از سوی معصوم بیان گردیده باشد.

اگر بر فرض مضمون این حدیث را قبول نماییم و تحقق بداء در نشانه های حتمی ظهور را نیز بپذیریم همچون یمانی و سفیانی در این صورت به این سوال منجر می گردد که پس چه تفاوتی بین علائم حتمی و غیر حتمی ظهور، خواهد بود؟ به این علت که تقسیم بندی نشانه های ظهور به

حتمی و غیر حتمی، اصالت روایی و منشاء حدیثی دارد که بوسیله ائمه معصومین (ع)، مطرح شده است. همانطور که حضرت باقر علیه السلام در روایتی می فرماید:

«إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُوراً مَوْقُوفَةً وَأُمُوراً مَحْتُمَةً وَإِنَّ السُّفْيَانِيَّ مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ؛ برخی از امور موقوف و مشروط هستند و برخی محتوم و تغییر ناپذیر و سفیانی از علائم حتمی است که بی تردید رخ خواهد داد.» (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶)

### ۲-۴-۲. دیدگاه دوم: امکان بداء و تغییر در نشانه‌های حتمی ظهور

طبق دیدگاه دوم حدیث فوق مورد پذیرش واقع می شود زیرا که موافق آیات قرآن است لذا امکان بداء در نشانه‌های حتمی ظهور وجود خواهد داشت.

**توضیح:** بعضی بر آن هستند که روایت نقل شده از حضرت جواد (ع) که دلالت بر ممکن بودن بداء در نشانه‌های حتمی ظهور دارد به علت اینکه موافق آیات و حیانی قرآن است، باید مورد پذیرش قرار گیرد، زیرا که قرآن در این ارتباط چنین می فرماید:

«لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛ خداوند برای هر امری زمانی مقرر کرده و هر چه را بخواهد، محو می کند و یا برقرار می سازد و حکم اصلی نزد خدا است.» (رعد/۳۸-۳۹)

طبق آیه شریفه فوق حکم محو و اثبات برای همه حوادثی که زمان بردارند، عمومیت دارد و این حوادث، عبارتند از: همه آنچه در آسمانها و زمین و مابین آنها می باشد. (ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۴۳۲) و نشانه‌های ظهور، از جمله این حوادث زمان بردار هستند؛ بنابراین، امکان بداء و تغییر در نشانه‌های حتمی ظهور امکان پذیر خواهد بود

### ۲-۴-۳. دیدگاه سوم: جمع بین حدیث امام جواد با روایات متواتر

سومین دیدگاه این است که سعی شده جمع بین حدیث امام جواد (ع) که دلالت بر امکان بداء دارد و احادیث متعددی و مستفیض دیگر که امکان بداء در نشانه‌های حتمی ظهور را رد می نمایند و برای این جمع چند صورت و وجه مطرح گردیده است:

#### الف) دیدگاه علامه کورانی

طبق دیدگاه علامه کورانی برای واژه محتوم، دو معنا، می باشد: «محتوم من الله» (از طرف خدا حتمی است) و «محتوم علی الله» (بر خدا حتمی شده است و امکان تغییر ندارد)؛ و در این حدیث حضرت جواد (ع)، منظور از «محتوم»، معنای اول آن، یعنی محتوم من الله مراد می باشد.



بنابر نقل قرآن مجید، یهودیان، این معتقد بودند که دستان خداوند بسته است؛ و خداوند پس از آنکه این جهان را خلق نمود و برخی از امورات آن را متحقق نمود، دیگر از تغییر آن، عاجز و ناتوان می‌گردد (وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ) قرآن مجید این اعتقاد یهود را رد نموده و در مقابل آن می‌فرماید: دستان خود شما بسته است و دست خدا باز است: «غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاؤُا مَبْسُوطَتَانِ؛ و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.»» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است» (مائده/۶۴) این نوع اعتقاد یهود و اندیشه آنها در بین بعضی از مسلمین نیز رواج یافته بود و طبق آن گاهی تصور می‌شد که وقتی امر حتمی است، یعنی برای خدا هم حتمی می‌باشد «محتوم علی الله» و دیگر قابل تغییر نخواهد بود، در حالی که به این صورت نیست و بلکه «محتوم من الله» می‌باشد، یعنی بنابر قول آیه شریفه قرآن، اینگونه نیست که وقتی امری از سوی خداوند، حتمی گردید، دیگر دست خدا بسته باشد (همان طور که یهودیان معتقد بودند) بلکه دست خدا، باز است؛ بنابراین این حدیث امام جواد (ع) که فرمودند: امکان بقاء و تغییر در نشانه‌های حتمی ظهور نیز می‌باشد، به همین امر اشاره دارد؛ یعنی با اینکه نشانه‌های حتمی ظهور، از طرف خدا، حتمی هستند (محتوم من الله)، ولی این گونه تصور نکنید که بر خدا حتمی شده باشد (محتوم علی الله)، خیر، اینگونه نیست و دستان خداوند باز است (یداء مَبْسُوطَتَانِ) (کورانی، ۱۴۲۸، ص ۱۲۸-۱۲۹)

### ب) دیدگاه علامه مجلسی

جمع دیگری که برای این حدیث امام جواد (ع) و دیگر روایات متعدد نقل شده دیدگاه علامه مجلسی است که ایشان چنین گفته اند: ممکن است مراد از بقاء در نشانه‌های حتمی در این حدیث، به معنای بقاء در ویژگی‌ها و خصوصیات نشانه‌های حتمی ظهور باشد، نه بقاء در اصل وجود آنها. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۵۱)

به این علت که از تقابل بین نشانه‌های موقوف و حتمی که در برخی از احادیث نقل شده، به دست می‌آید که سفیانی و دیگر نشانه‌های حتمی ظهور از دایره علائم موقوف و غیر حتمی خارج هستند؛ بنابراین، حمل این نشانه‌های محتوم بر آنچه که احتمالاً بقاء در آن راه دارد به نوعی وارد نمودن علائم محتوم به دایره علائم موقوف و غیر حتمی می‌باشد که بر خلاف ظاهر روایات سفیانی و دیگر نشانه‌های حتمی است، بلکه نتیجه این حرف، به نوعی موجب لغو بودن تقسیم بندی علائم ظهور به حتمی و غیر حتمی می‌گردد (عاملی، ۱۴۲۴، ص ۴۵) که در حدیث معتبری



از حضرت باقر (ع)، نقل گردیده است. در حالی که روایات اسلامی، نشانه‌های ظهور را به دو دسته حتمی و موقوف (غیر حتمی) تقسیم کرده‌اند و دور است که سخن لغوی از امام معصوم صادر گردد. به همین جهت می‌توان گفت در علائم حتمی، بداء امکان ندارد اما در نشانه‌های غیر حتمی و ویژگی‌های نشانه‌های حتمی، بداء ممکن است صورت پذیرد.

لازم توجه نماییم که امکان روی دادن بداء در نشانه‌های غیر حتمی، به این معنا نیست که آنها روی نخواهد داد. بلکه برعکس، به این معنا می‌باشد که چون در روایات ائمه (ع) بیان شده‌اند، احتمالاً روی دادن نشانه‌های غیر حتمی مقدم است بر عدم تحقق‌شان، ولی قطعی‌الوقوع نخواهند بود.

### نتیجه

در صورتی که بخواهیم حدیث منقول از امام جواد (ع) در کتاب الغیبه نعمانی را بپذیریم باید بین این روایت که دلالت بر امکان بداء دارد و روایات دیگری که دلالت بر وقوع حتمی نشانه‌های ظهور دارد جمع نماییم که بهترین جمع از نظر ما همان نظر علامه کورانی است.

### ۳. علائم ظهور

#### ۱-۳. خروج سفیانی

امام جواد علیه‌السلام درباره حوادث و آشوب‌های قبل از ظهور امام زمان (عج) که در عصر غیبت روی می‌دهد روایتی بیان نموده‌اند که در آن ایشان علائم ظهور را نیز ذکر کرده‌اند به عنوان مثال اولین نشانه حتمی ظهور، خروجی سفیانی دانسته شده که در این باب روایات زیادی وجود دارد. (آیتی، ۱۳۸۴، ص ۶۵) نام مشهور وی، «عثمن بن عنبسه» است (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۵۱)

در احادیث از وی با عناوین مختلفی همچون، پست‌ترین انسان، زاغ چشم، سرخ روی، آبله‌رو، دارای صورتی وحشتناک و از نسل یزید بن ابی سفیان عنوان شده است. (همان) که بعد از خروج در شام و به تصرف درآوردن مناطق مختلفی همچون سوریه، اردن و فلسطین، به سمت عراق حرکت نموده و جنایات فراوان در کوفه و نجف، از ظهور امام زمان (عج) در مکه مطلع می‌گردد و برای جنگ با ایشان، لشکر خویش را به سمت مکه می‌فرستد. چون لشکریانش به منطقه «بیداء» می‌رسند، جبرئیل فریاد برمی‌آورد: «ای سرزمین «بیداء»، این گروه ستمگر را در کام خود فرو ببر!» لذا زمین شکافته شده و لشکریان وی را به کام خویش فرو می‌برد.



ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می کند: «کنا عند ابی جعفر محمد بن علی الرضا فجرى ذكر السفیانی و ما جاء فی الروایه من ان امره من المحتوم. فقلت لابی جعفر هل یبدولله فی المحتوم؟ قال: نعم! قلنا له: فنخاف ان یبدو لله فی القائم؟ فقال: ان القائم من المیعاد، والله لا یخلف المیعاد؛ در محضر امام جواد علیه السلام بودیم و از آنچه در احادیث در مورد سفیانی سخن به میان آمده بحث شد که خروج وی از حتمیات می باشد، ابوهاشم می گوید به امام عرض کردم: آیا خدای متعال را در امور حتمی بدائی است؟ امام جواد (ع) فرمودند: بله. بیان داشتیم: پس می ترسیم که در مورد قائم نیز بداء صورت پذیرد؟ حضرت فرمود: «قائم از وعده هاست و خداوند برخلاف وعده خود رفتار نمی کند». (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۰)

طبق این روایت، می توان معتقد شد که در علائم حتمی مانند خروج سفیانی، احتمالاً بداء وجود دارد؛ یعنی در شرایط و کیفیت خروج و برنامه های سفیانی تغییری صورت بگیرد، نه این که اصل سفیانی بداء بپذیرد.

### بررسی

در مصادر روایی شیعه از خروج سفیانی به عنوان یکی از علائم ظهور سخن به میان آمده است. شیخ طوسی به سندش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «خروج السفیانی من المحتوم؛ خروج سفیانی از علائم حتمی ظهور است». (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵)

در خبری از امیرالمؤمنین علیه السلام و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: «عشر قبل الساعه لابد منها: السفیانی...» ده علامت است که به طور حتم قبل از قیامت تحقق می یابد، یکی از آن ها (خروج) سفیانی است». (همان، ص ۴۳۶)

در توقیعی که از امام زمان علیه السلام به علی بن محمد سمری مرقوم داشتند می فرماید: «فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفر؛ هر کس ادعای مشاهده قبل از خروج سفیانی و صیحه نماید او دروغگو و افترا زننده است». (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۵)

امام باقر علیه السلام در حدیثی درباره سفیانی می فرماید: «و یبعث السفیانی بعثاً إلى المدینه فینفر المهدی منها إلى مکة، فیبلغ امیر جیش السفیانی ان المهدی قد خرج إلى مکة فیبعث جیشاً علی اثره فلا یدرکه حتی یدخل مکة خائفاً یترقب علی سنّه موسی بن عمران. قال وینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء: یا بیداء ابیدی القوم، فیخسف بهم فلا یفلت منهم إلاّ ثلاثه؛ سفیانی لشکری را به سوی مدینه می فرستد. مهدی از مدینه به سوی مکه حرکت می کند.

خبر به لشکر سفیانی می رسد، لذا گروهی را به دنبال او می فرستد، ولی به آن حضرت دسترسی نمی یابد تا آن که حضرت همانند حضرت موسی بن عمران با ترس و خوف وارد مکه می شود. هنگامی که لشکر سفیانی به سرزمین بیداء می رسد، منادی از آسمان ندا می دهد: ای بیداء! این قوم را در خود فرو بر. آن سرزمین این قوم را در خود فرو خواهد برد و کسی از آنها غیر از سه نفر نجات نخواهد یافت». (همان، ص ۲۸۰)

قندوزی حنفی از امام علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ...؛ اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود اما نمی توانند (از عذاب الهی) بگریزند...» (سوره سبأ/ ۵۱) نقل می کند که فرمود: «قبیل قیام قائمنا المهدی یخرج السفیانی، فیملک قدر حمل امرأ تسعه اشهر، ویأتی المدینه جیشہ حتی إذا انتہی الی البیداء خسف اللہ به؛ نزدیک قیام قائم ما مهدی سفیانی خروج می کند، به قدر حمل یک زن یعنی نه ماه حکومت می کند. لشکر او وارد مدینه می شود و به سرزمین بیداء که رسیدند خداوند آنان را نابود خواهد کرد.» (قندوزی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۷)

پراکندگی و کثرت بیش از حد روایات مربوط به سفیانی و بیان آنها در منابع معتبر شیعه و هم چنین صحیحه بودن سند تعدادی از آنها - به خصوص آن چه بدون قید و توضیحی سفیانی را از مسلمات تلقی می کند - اجازه رد همه این احادیث را به ما نمی دهد. به تعبیری، می توان با پذیرش اصل اخبار سفیانی، درباره جزئیات مربوط به آن قائل به توقف شد.

#### ۴. ناگهانی بودن ظهور

امام جواد (علیه السلام) فرموده اند: «وان الله تبارک و تعالی لیصلح له امره فی لیلہ کما اصلح امر کلیمہ موسی اذ ذهب لیقتبس لاهله نارا فرجع و هو نبی مرسل؛ خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید، همچنان که امر حضرت موسی علیه السلام را اصلاح فرمود؛ موسی رفت تا برای خانواده خویش شعله آتشی بیاورد، اما هنگامی که بازگشت، پیامبر بود.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۰)

بعضی سوال می کنند که با نظر به احادیثی که بیانگر علانتم ظهور همچون خروج سفیانی و جنگ وی با امام زمان (عج) است، پس به چه صورت ظهور آن حضرت ناگهانی خواهد بود؟



در پاسخ به این پرسش می توان گفت:

۱. امکان دارد مراد از «یک شب» اشاره به سرعت باشد زیرا مقابله و برخورد با مخالفان به سرعت و گاه با اعجاز صورت می پذیرد، به همین جهت به یک شب تعبیر شده است.

۲. همچنین امکان دارد مراد از اصلاح امر در یک شب، این باشد که ظهور امام زمان (عج) در آن صورت پذیرد ولی پیروزی نهایی در طولانی مدت صورت خواهد پذیرفت.

### ۵. طی الارض

در ارتباط با طی الارض توسط امام زمان (عج) امام جواد علیه السلام در حدیثی چنین فرموده اند: «... او کسی است که زمین زیر پایش طی می شود و هر مشکلی در برابرش آسان می گردد.» (قندوزی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۴)

حضرت جواد (علیه السلام) در این حدیث، به دو مطلب در مورد ظهور اشاره می نماید: پیچیده شدن زمین و هموار شدن سختی ها.

از معجزاتی که برای امام زمان (عج) در عصر غیبت بر شمرده شده همانا پیچیده شدن زمین یا «طی الارض» توسط ایشان است که به طی کردن مسافت های طولانی در مدت بسیار کم اطلاق دارد.

در ارتباط با طی الارض توسط امام زمان (عج)، حدیثی از امام رضا (علیه السلام) نقل گردیده که حضرت می فرمایند: «فاذا خرج اشرفت الارض بنوره ... و هو الذی تطوی له الارض؛ هنگامی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای آن حضرت به سرعت حرکت می نماید. (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ب ۳۵)

### بررسی

از علامه طباطبایی درباره حقیقت طی الارض سؤال شد، ایشان چنین گفت: «پیچیدن زمین در زیر گام رونده است... طی الارض از خوارق عادت است». ما از علمای شیعه عده ای را داریم که دارای این مقام هستند به عنوان مثال علامه قاضی طباطبایی دارای این مقام بودند. آن مرد کاسب از مشهد به نجف مراجعت کرد و به رفقای خود گفت: گذرنامه من (در مشهد) دچار اشکال بود و آقای قاضی آن را حل کردند... دوستان آن مرد گفتند که آقای قاضی در نجف بودند و مسافرت نکرده اند». (حسینی طهرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۷۲) حال که از علما این کار ساخته است، پس امام

معصوم حتماً و به طریق اولی می‌تواند چنین کند. این نعمت برای عارفان حقیقی و واصل به مقام قرب چیز بی‌اهمیتی است و فوق آن را دارند و طالب هستند، چه برسد به مقام رفیع و شامخ امام که اصلاً قابل مقایسه نیست.

ابن شهر آشوب از جابر انصاری روایت می‌کند: «امام علی علیه‌السلام نماز صبح را در مدینه خواند، بعد فرمود: «ای مردم خدا اجر شما را در مرگ سلمان، بزرگ قرار دهد...»، بعد بر ناقه رسول خدا (ص) سوار شد و به قنبر فرمود: «از یک تا ده بشمار». قنبر گوید: همین‌که شمردم، در مدائن پشت در خانه سلمان بودیم». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۴۸)

در داستان حضرت سلیمان آمده است:

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛ کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می‌آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است» (نمل/۴۰)

و این از طی الارض بالاتر است؛ زیرا طی الارض، طی کردن مسافت است به تنهایی، اما در این کار علاوه بر طی الارض، حمل چیز دیگری نیز مطرح است». (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۸۲)

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «این شخص مقداری از علم کتاب را داشت، اما ما اهل بیت همه علم کتاب را داریم». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۵۷)

پس طی الارض برای اهل بیت (ع)، از جمله امام زمان بسیار ساده و سهل است و امر عجیبی نیست.

## ۶. تعداد یاران امام زمان (عج)

عبدالعظیم حسنی از امام جواد (ع) نقل کرده است: «عنه أيضاً قال: قلت لمحمد بن علي (ع): إني لأرجو أن تكون القائم من أهل بيت محمد الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. فقال: يا أبا القاسم، ما منّا إلا قائم بأمر الله و هاد إلى دين الله و لكنّ القائم منّا هو الذي يطهر الله عزّ و جل الأرض به من أهل الكفر و الجحود و يملأها عدلاً و قسطاً، هو الذي تخفي على الناس ولادته و يغيب عنهم شخصه و يحرم عليهم تسميته؛ و هو سمى رسول الله (و كنيّه و هو الذي تطوى له الأرض و يذلّ له كلّ صعب. يجتمع إليه من أصحابه عدد أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً من أقاصى الأرض و هو قول الله عزّ و جل: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ



عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ وَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ؟ قَالَ: يَلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ الْمَلَائِكَةَ وَالْعَزَى فَأَحْرَقَهُمَا؛

به حضرت جواد (ع) عرضه داشتیم: امید دارم شما قائم اهل بیت محمد (ع) باشید شخصی که زمین را از عدل و داد پر نماید چنان که پر از ستم و جور گردیده. امام جواد (ع) در پاسخ فرمودند: ای ابو القاسم! هیچ یک از ما نیست جز آن که قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی می باشد، اما قائم از میان ما فردی است که خداوند تعالی به واسطه وی زمین را از اهل کفر و انکار پاک می سازد و آن را از عدل و داد پر می کند؛ کسی که ولادتش بر مردم پنهان و خودش از آنها نهان بوده و بردن اسمش حرام می باشد و او نامش و کنیه اش همانند پیامبر (ص) می باشد و او کسی است که زمین برای وی پیچیده گردد و هر صعوبتی برای او هموار شود و از یارانش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به نزد او جمع می شوند و این همان فرموده خداوند می باشد: «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز)، حاضر می کند زیرا او، بر هر کاری تواناست» (بقره/۱۴۸) و زماین که این تعداد از مخلصین نزد او جمع گردند خداوند امرش را نمایان می کند و چون عقد که عبارت از ده هزار مرد باشد، کامل گردد به اذن خدا قیام نماید و دشمنان خدا را به هلاکت می رساند تا وقتی که که خداوند خشنود شود. عبد العظیم حسنی در ادامه می گوید: ای سرورم چگونه آگاه می شوید که خداوند خشنود شده است؟ حضرت جواد (ع) در جواب فرمودند: در قلبش رحمت می افکند و هنگامی که به مدینه برود، لات و عزّی را خارج کرده و آن دورا می سوزاند. (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۴۳)

#### بررسی

در روایات، تعداد اصحاب امام مهدی (عج)، مختلف ذکر شده است. بیشتر روایات تعداد اصحاب و یاران امام مهدی (عج) را ۳۱۳ نفر، به اندازه اصحاب پیامبر (ص) در جنگ بدر، بیان کرده اند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۶۴۹)

اما برخی روایات، تعداد اصحاب و یاوران مهدی (عج) را بیش از ۳۱۳ نفر ذکر کرده اند. این دسته روایات بعضاً عدد ده هزار را آورده اند؛ از جمله امام صادق (ع) می فرماید: «مهدی ظهور

نمی‌کند، مگر اینکه حلقه کامل گردد. ایشان در پاسخ به این سؤال که آنان چند نفرند، می‌فرماید: ده هزار نفر.» (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷)

همچنین ابو بصیر نقل می‌کند: «مردی از اهالی کوفه از امام صادق (ع) پرسید آنان چند نفرند؟ مردم می‌گویند همراهان مهدی به تعداد اصحاب بدر ۳۱۳ نفرند؟ امام (ع) در پاسخ فرمود: مهدی ظهور نمی‌کند، مگر با نیروی قدرتمندی که تعداد آنان کمتر از ده هزار رزمنده نخواهند بود.» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۵۴۸) برخی دیگر از روایات، تعداد اصحاب مهدی (عج) در هنگام ظهور را دست کم دوازده هزار و حداکثر پانزده هزار نفر ذکر کرده‌اند؛ (سید بن طاووس، بی تا، ص ۶۵) حتی در بعضی روایات عدد یکصد هزار نفر نیز نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰۷)

در ابتدا به نظر می‌رسد روایاتی که تعداد اصحاب را مختلف بیان کرده‌اند، با هم تعارض و تقابل دارند؛ اما با توجه به قرینه‌های موجود می‌توان روایات عدد ۳۱۳ را درباره اصحاب و یاران ویژه امام دوازدهم، در مرحله آغازین قیام دانست؛ آنانی که هسته اصلی قیام را تشکیل می‌دهند و در روایات از آنان با عنوان پرچمداران و فرماندهان لشکر مهدی (عج) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۱۳) و نیز فرمانروایان و حاکمان روی زمین یاد شده است که امام (ع) با آنان شرق و غرب جهان را فتح می‌کند «انهم حکام الأرض و عماله علیها و بهم یفتح شرق الأرض و غربها» (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲) این ۳۱۳ نفر، هم افراد اولیه قیام‌اند و هم کارگزاران اصلی حکومت جهانی و زمامداران زمین.

اما روایاتی که تعداد را بیشتر از ۳۱۳ بیان کرده‌اند، بیان‌کننده تعداد مجموع نیروها و یاورانی است که به این جمع می‌پیوندند و تحت فرماندهی آنان قرار می‌گیرند. شاهد این مطلب دو روایتی است که از امام صادق (ع) رسیده است:

در روایت نخست، امام (ع) می‌فرماید: «آنان (اصحاب مهدی) ۳۱۳ نفرند و هر یک خود را در میان سیصد نفر می‌بینند.» (طبری، ۱۴۱۳، ص ۳۲۰)

ظاهر روایت این است که هر کدام از این ۳۱۳ تن، فرماندهی جمعی را به عهده می‌گیرند. در روایت دوم آمده است: «هنگامی که خداوند به حضرت قائم (عج) اجازه قیام دهد، ۳۱۳ تن با او بیعت می‌کنند و امام زمان (ع) در مکه توقف می‌کند تا تعداد یارانش به ده هزار نفر برسد، آن‌گاه به سوی مدینه حرکت می‌کند.» (حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۱۱)



## ۷. حکومت امام مهدی علیه السلام

### ۷-۱. اقامه عدل و قسط

حاکمیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از موضوعاتی است که معصومان به آن تأکید کرده‌اند و در بیش از صد روایت آمده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸) دنیا بعد از آنکه حضرت ظهور می نماید، مملو از عدل و داد می گردد و در تمامی جهان گسترده می شود و برداشت یاران حضرت نیز همین بوده است.

یکی از احادیث مفصل که از امام جواد (ع) توسط عبدالعظیم حسنی نقل شده است که بخش مهمی از این حدیث در ارتباط با دوره غیبت و عصر نزدیک به ظهور می باشد و در مورد برخی دیگر از آموزه های مهدویت نیز نکات و اشارات ارزشمندی در آن است:

«فَقَالَ لِي يَا أبا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (بِالنَّبُوَّةِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فِيَمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُصْلِحَ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى (إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَسِمَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ ثُمَّ قَالَ (أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ؛ فرمود: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان برند و او سومین از فرزندان من است و سوگند به کسی که محمد (ع) را به نبوت مبعوث کرد و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا [مهدی] در آن قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که آکنده از ظلم و جور شده بود و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید چنان که امر موسی کلیم الله (را اصلاح فرمود؛ هنگامی که رفت تا برای خانواده اش شعله ای آتش بیاورد و برگشت درحالی که رسول و پیامبر بود. سپس فرمود: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۱)

گسترش عدالت با جمله «یملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً» از معروف ترین سخنانی که در مورد مهدویت بیان شده و در روایات نیز بیان شده است این عبارت کوتاه می باشد که در عین کوتاهی حاوی نکات ارزشمندی می باشد:



الف) عبارت «یملاء الارض» بیانگر این امر است که حکومت امام زمان (عج) برای تمامی جهان است زیرا که (ال) در واژه الارض الف و لام جنس می باشد که همه زمین را در بر می گیرد به همین جهت پر شدن تمامی جهان از عدل فرا گیر می باشد.

ب) این عبارت با بیان و تاکید بر قسط و عدل این مطلب را می رساند که منجی آخر زمان در دین اسلام فقط به دنبال جنبه معنوی نیست بلکه کارکردی اجتماعی وی نمود بیشتری دارد که جنبه های دیگری همچون فرهنگ، اقتصاد و جامعه را نیز در بر می گیرد.

ج) از جهت مفهومی همچنان که ظلم و جور معنایش با هم تفاوت دارد مفهوم عدل و قسط نیز معنایشان باهم متفاوت است گرچه غالباً این دو کنار هم به کار می روند اما کاربرد هر یک از آنها متفاوت است به گونه ای که در مقابل عدل نقطه مقابلش ظلم است و جور نیست، (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۵۵) همچنان که قسط نقطه مقابلش جور می باشد.

تفاوت بین قسط و عدل در این می باشد که عدالت این است که حق دیگر گرفته نگردد اما قسط مربوط به این است که تبعیضی بین افراد روی ندهد، در واقع ظلم یعنی حق دیگری را به نفع خویش گرفتن است و جور این است که حق فردی را به دیگری دادن. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۰۳)

به عنوان مثال حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ به افرادی همچون مالک اشتر و یارانش که از ایشان تقاضا داشتند مقدار سهم آنها از بیت المال مسلمین را به زیاده خواهان اعطا نمایند، فرمودند: «أَتَأْمُرُونِي أَنَا طَلُبَ التَّصَرُّ بِالْجَوْرِ؛ آیا از من می خواهید تا پیروزی را با جور طلب کنم؟» (دشتی، محمد، ۱۳۷۹، خ ۱۸۳) در واقع برای جلوگیری از جور حضرت علی (علیه السلام) با آن که این افراد راضی هستند اما سهم آنها را به زیاده خواهان نمی دهد، زیرا گرچه این امر ظلم نیست اما جور می باشد.

د) این عبارت حاکی از موجب امید و نشاط شدن حاکمیت عدالت و گسترش آن در جامعه است به این جهت که وعده پیروزی نهایی حق بر باطل تشکیل حکومت اسلامی خود باعث رشد امید می گردد

## ۷-۲. بروز و ظهور قهر و انتقام الهی

بروز و ظهور قهر و انتقام الهی از دیگر جلوه های حکومت امام زمان (عج) است که در واقع از عدالت نشأت می گیرد و گرچه ایشان جلوه رحمت و مهر الهی هستند امام رجعت بد کاران و



ظالمان به ائمه معصومین (ع) از اموری است که تحقق آن حتمی است و بدست ایشان که منتقم خاندان عصمت و طهارت هستند صورت خواهد پذیرفت. (شیخ صدوق، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۱)

### بررسی

فراگیر شدن ظلم و جور، از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی (ع) به شمار است. این نشانه، در روایات بسیار، به چشم می خورد. در بعضی به همین عنوان کلی، مورد اشاره قرار گرفته، چنانکه در روایت معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛ خداوند، به وسیله ظهور مهدی (ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد.» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۶۴)

یا از حضرت مهدی (عج) نقل شده:

«علامة ظهوری كثرة الهرج و المرج و الفتن؛ نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هر ج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۲۰)

گاهی نیز، زیاد شدن گناهان و مفسد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان، به عنوان نشانه های نزدیک شدن ظهور پیش گویی شده است.

علامه مجلسی، در ذکر نشانه های ظهور، از امام صادق (ع) حدیثی را بیان می نماید که در آن، بیش از صد نوع گناه و انحراف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی که در عصر غیبت، جامعه اسلامی گرفتار آن می گردد را پیش گویی نموده است (همان، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰)، برخی از آنها عبارتند از:

رشوه خواری، قمار، شراب خواری، زیاد شدن زنا، لواط، از بین رفتن صلح رحم، سنگ دل شدن مردمان، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، از میان رفتن شرم، عدم پرداخت خمس و زکات، کم فروشی، عدم توجه به اوقات نماز، آراستن مساجد به زیور آلات، گزاردن حج به انگیزه مادی و برای غیر خدا، رعایت نکردن احترام بزرگترها، پیروی از ثروتمندان، صرف کردن سرمایه در فساد و گناه و بی دینی، تملق گویی و چاپلوسی و...

رشد این گناه ها و پلیدی های بین مردم خود نوعی از فراگیر شدن ستم و جور بر سطح زمین می باشد گرچه گناه و پلیدی کم و بیش در بین مردم هست، اما نکته اهم، فراگیر شدن آنها می باشد، به صورتی که غیر ارزش ها، بر ارزش ها، تفوق یافته و گناه و فساد دامن همه آحاد جامعه بر گرفته جامعه به سمت انحطاط پیش می رود.

علاوه بر آن رشد حکومت های مستکبران بر جهان که ائمه آن را از نشانه های ظهور بر مشده اند، موجبات در محرومیت و استضعاف قرار گرفتن بیش از پیش مومنان می شود که خود نمونه ای از رشد جور و ظلم در عالم است.

### ۷-۳. انتقام الهی از ستمکاران

از جمله اقدامات امام زمان (ع) بعد از ظهور و تشکیل حکومت مهدوی این است که برخی افراد که در دنیا به عقوبت اعمال خود نرسیده بودند بر اساس عدل الهی و به فرمان خداوند به سزای اعمال خودشان می رساند.

امام جواد علیه السلام فرمودند: «حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که خداوند به وسیله او زمین را از کافران و منکران پاک سازد و از عدل و داد پر کند. زادنش از دیدگاه کسان نماند خواهد بود و شخصش از برای چشم بینندگان غایب است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۲۱)

در روایت دیگری عبدالعظیم حسنی از امام جواد (ع) نقل می کند که فرمودند: «... به اذن خداوند خروج می کند و پیوسته از دشمنان خدا خواهد کشت تا خداوند متعال راضی شود. عبدالعظیم گوید: به آن حضرت گفتم: ای آقای من! او چگونه خواهد دانست که خدای عزوجل راضی شده است؟ فرمود: در دلش رحمت می اندازد، پس هنگامی که به مدینه داخل شود لات و عزی را بیرون آورد و می سوزاند.» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۷)

### بررسی

انتقام از ستمکاران و از بین بردن دشمنان خداوند که امام جواد (ع) به آنها اشاره نموده است در روایات سایر معصومین (ع) نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

رسول خدا (ص) فرمود: «سيفه كحريق النار؛ شمشیر او مانند شعله آتش است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۷۷)

امام باقر علیه السلام فرمود: (امام) شانی جز قتل دشمنان ندارد. (همان، ج ۵۲، ص ۳۴۹) البته نه تنها شانی جز به هلاکت رساندن دشمن ندارد که راهی هم غیر از این ندارد زیرا تسلیم کردن دنیا و تحقق حاکمیت الهی بر سراسر جهان به صرف موعظه و گفتگو عملی نخواهد بود به ویژه این که هوای نفس بر همه سردمداران دنیا سایه انداخته است و برخوردی را که به انبیا و ائمه پیشین داشتند نسبت به امام مهدی (علیه السلام) هم خواهند داشت و در نتیجه وعده الهی که



پیروزی و حاکمیت اسلام و مستضعفین است عملی نخواهد شد. از این رو با قاطعیت تمام با دشمن رفتار خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود: قائم به شدت با اعراب برخورد خواهد کرد و شانی جز شمشیر ندارد، طلب توبه نمی‌کند و در راه خدا از سرزنش ملامتگران باکی ندارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۵۴)

و امام صادق علیه السلام نیز درباره نوع رفتار ایشان فرمود: وقتی قائم ما خروج می‌کند بین او و عرب و قریش چیزی جز شمشیر نخواهد بود. (همان، ص ۳۵۵)

البته مراد حضرت اعرابی هستند که از سر عناد با امام زمان (علیه السلام) روبرو می‌شوند و گرنه تعدادی از اصحاب او نیز از اعراب هستند.

پیش از این به فلسفه قاطعیت امام مهدی (علیه السلام) اشاره کردیم و اکنون به برخی از روایات که در این زمینه وارد شده است می‌پردازیم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: من می‌توانستم فراریان از جنگ را بکشم و مجروحان جنگی را به قتل برسانم اما به خاطر عاقبت و آینده اصحابم چنین نکردم که اگر آنها هم زخمی شدند کشته نشوند اما قائم می‌تواند فراریان و مجروحان را بکشد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۵۳)

رفید، غلام ابن هبیره گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! قائم به روش علی بن ابی طالب در برابر اهل شام عمل می‌کند؟ فرمود: نه ای رفید، او در برابر اهل شام به روشی که در نوشته سفید است عمل کرد اما قائم به روشی که در نوشته سرخ است عمل می‌کند. عرض کردم: نوشته سرخ چیست؟ حضرت اشاره به قتل آنها کرد. (همان، ص ۳۱۳)

زراره گوید به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: قائم به سیره محمد (صلی الله علیه و آله) عمل می‌کند؟ فرمود: دور است، دور است، او به سیره محمد (صلی الله علیه و آله) عمل نمی‌کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با نرمی عمل می‌کرد و با مردم مدرا می‌نمود اما سیره قائم، کشتن دشمنان است زیرا در نوشته‌ای که به همراه دارد امر شده است که دشمن را بکشد و از کسی طلب توبه نکند. وای بر کسی که با او مخالفت کند. (همان، ص ۳۵۳)

این موضوع قابل توجه است که شرایط امام زمان (عج) با شرایط زمان رسول خدا (ص) متفاوت است. پیامبر اکرم (ص) برای هدایت آمده بودند، پس پیامبر (ص) باید مدارا می‌کردند؛ اما در زمان امام زمان (علیه‌السلام)، به اندازه کافی خدا، برای هدایت، امام فرستاده است و امام عصر آخرین ذخیره الهی است و دیگر نیازی به مدارا نیست و هر کس مقابل امام که حق مطلق است بیاستد حضرت در مقابلش سکوت نمی‌کنند.

شیوه امام مهدی (علیه‌السلام) کوبنده، قاطع و تمام کننده است به طوری که برخی به شك می‌افتند که اگر او از فرزندان فاطمه است چرا این گونه عمل می‌کند؛ اما نمی‌دانند که شرایط آخر الزمان با شرایط صدر اسلام کاملاً متفاوت است. کفار حرمی ندارند چنان که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ به یقین، بدترین جنبندهگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند» (انفال/۵۵)

بنابراین رعایت آنها در صدر اسلام به خاطر مصالح مسلمین بوده است که مورد آزار بیشتری قرار نگیرند.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: وقتی مهدی به ثعلبیه می‌رسد مردی از سادات که قوی‌تر از او وجود ندارد و شجاع‌ترین مرد پس از صاحب الامر است به او می‌گوید: چه می‌کنی! به خدا قسم شما مثل گله گوسفند مردم را می‌ترسانی، آیا نوشته‌ای از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داری؟ یا به دلیل دیگری این چنین می‌کنی؟ در این هنگام کسی که مسئول گرفتن بیعت برای صاحب الامر است به او می‌گوید: به خدا قسم ساکت می‌شوی یا گردنت را می‌زنم. قائم به او می‌فرماید: ساکت باش و خطاب به آن مرد می‌گوید: به خدا قسم عهدی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دارم. صندوقچه مرا بیاورید. آنگاه عهد خود را بیرون می‌آورد و آن را برای آنها می‌خواند. در این هنگام آن مرد عرض می‌کند: خداوند مرا فدای تو گرداند، سر خود را پیش آور تا ببوسم و او سر خود را پیش می‌آورد و آن مرد بین دو چشم او را می‌بوسد و می‌گوید: خداوند مرا فدای تو گرداند بیعت ما را تجدید کن و او بیعت خود را با آنها تجدید می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۴۳)

## نتیجه

منظور از مهدویت در این نوشتار، باور به ظهور و قیام امام مهدی موعود علیه السلام است که مصداقی معین دارد و یقیناً روزی خواهد آمد و این جهان ظلمانی را با نور جمالش منور خواهد ساخت. معنای واقعی غیبت امام زمان در اعتقاد امامیه این است؛ که امامت و پیشوای آن حضرت در حال غیبت همانند امام حاضر دارای آثار هدایت گرانه بوده و تنها با این تفاوت که فعلاً با تدبیر و حکمت خداوند هرکسی لیاقت راه یابی به محضر آن حضرت را ندارد و از جهت اعتقادی وجود امام در حال غیبت مانند زمان حضورش لطف خداوند است، ائمه علیهم السلام کوشیدند تا تبیین صحیحی نسبت به مسئله مهدویت ارائه دهند تا از یک سو جامعه را از فتنه مدعیان دروغین مصون نگه دارند و از دیگر سو به معرفی مهدویت حقیقی و تصویری از آینده‌ی پیش رو ارائه دهند. هر اندازه به دوران ولادت امام زمان (عج) و عصر غیب نزدیک می‌شویم، حساسیت زیادی را از سوی ائمه (ع) نسبت به امر مهدویت شاهد هستیم؛ دوران امام جواد علیه السلام از این امر مستثنی نبود. آن امام بزرگوار در کنار معرفی مهدویت راستین، به تشریح آینده و فتنه‌های آخرالزمانی می‌پرداختند و به این مناسبت، راهکارهایی را در راستای عبور از این فتنه‌ها ارائه می‌دادند.

با توجه به آنچه در این تحقیق از توصیف و تحلیل احادیث امام جواد (ع) در ارتباط با مهدویت بیان گردید به دست می‌آید که هدف اصلی امام جواد (ع) همانا آماده سازی جامعه شیعیان برای رویارویی با عصر غیبت بوده است، زیرا قرار بود شیعیانی که در بحرانها و سرگردانی ها هنگام بروز حوادث و در شبهات به امامشان مراجعه می کردند و همه آموزه های خود را در مسائل گوناگون از امام خویش تعلیم می دیدند به عصری ورود پیدا نمایند که امامشان در پس پرده غیب قرار خواهد داشت.

## فهرست منابع

### قرآن مجید

۱. ابراهیم، علیرضا، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، باز، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، موسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳. آیتی، نصرت الله، سفیانی از ظهور تا افول، نشر ثانی عشر، قم، ۱۳۸۴ ش.
۴. جوادی آملی، عبد الله، ولایت در قرآن، رجاء، قم، ۱۳۶۹ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۶. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف معارف، آرایه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۸. حسینی طهرانی، سید محمدحسین، مهر تابان، علامه طباطبایی، قم، ۱۳۹۴ ش.
۹. حلی، حسن بن مطهر، المستجد من کتاب الارشاد، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. ری شهری، محمد محمدی، دانشنامه امام مهدی، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. سبحانی، جعفر، منشور عقاید امامیه، موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. سید بن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن، کتابفروشی اسلامیه، بی تا تهران.
۱۴. شاهرودی، لطف الله، علی نماز، مستدرکات علم رجال الحدیث، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ به ده پرسش، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی ۱۳۹۳ ش.
۱۶. \_\_\_\_\_، منتخب الاثر، مکتب آیت الله صافی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. صدر، محمد، تاریخ الغیبة الکبری، نیک معارف، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، اکمال الدین و تمام النعمه، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. \_\_\_\_\_، الخصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بإعلام الهدی، آل البيت، قم، ۱۳۷۶ ش.

۲۱. طبری، ابو جعفر محمد، دلائل الامامه، بعثت، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. عاملی، دراسة علامات الظهور، مركز الاسلامی للدراسات، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، دار الاسوه، بی تا، قم.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۶. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، مسجد جمکران، قم، ۱۴۲۸ق.
۲۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۶ق.
۳۰. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، صدرا، قم، ۱۳۹۷ش.
۳۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۷ش.
۳۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ش.
۳۳. الویری، محسن، «گونه شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی»، مجله مشرق موعود، شماره ۳۴، ۱۳۹۴ش.